



بیانات در دیدار دانشمندان، متخصصان، کارشناسان و مسئولان صنعت هسته‌ای کشور - 21 / خرداد / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين لاسيما بفيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید. واقعاً ممنونم از دانشمندان و مسئولان و فعالان این صنعت که امروز این دیدار خوب را و این نمایشگاه (۲) عالی را برای ما تدارک دیدند؛ بسیار نمایشگاه خوبی بود، خشنودکننده و دلگرم‌کننده و بشارت‌بخش بود. من چند مطلب را که آماده کرده‌ام به شما بگویم، عرض می‌کنم.

موضوع اول درباره‌ی اهمیت صنعت هسته‌ای است. البته شماها میدانید و با اهمیت این صنعت آشنا هستید، [اما] خیلی از مردم این آشنایی را ندارند و قدر صنعت هسته‌ای، ابعاد گوناگون و گسترده‌ی این صنعت و تأثیراتش در زندگی مردم و در پیشرفت کشور را نمیدانند. من، هم اینجا یادداشت کرده‌ام که در تذکرات عرض خواهم کرد، هم حالا در این نمایشگاه چند بار به این برادران عزیز گفتم تقصیر شماها است که نمی‌آیید با مردم حرف بزنید و به مردم بگویید که چه کار دارید می‌کنید و این مجموعه چه حرکت عظیمی را وجهی همّت خودش قرار داده و دارد پیش می‌رود. شماها میدانید، مردم نمیدانند؛ لذا من به طور مختصر می‌گویم.

آنچه به طور مجمل میشود گفت، این است که این صنعت، هم از لحاظ پیشرفت کشور و توانایی‌های کشور در عرصه‌های فنی، اقتصادی، سلامت و غیره که به کشور آبرو میبخشد و زندگی را برای مردم بهتر میکند دارای اهمیت است، هم از جهت وزن سیاسی جهانی و بین‌المللی برای کشور؛ یعنی وقتی که شما در بخشهای مختلف این صنعت پیشرفت دارید و دارید کار انجام میدهید و گره‌گشایی میکنید، مراکز اطلاعاتی جهان و بسیاری از سیاستمداران دنیا و شاید خیلی از دانشمندان و اهل مطالعه میفهمند و این برای کشور آبرو است؛ پس پیشرفت این صنعت از لحاظ بین‌المللی و از لحاظ وزن و جایگاه و آبروی ملی هم دارای اهمیت است. این، دو جهت. جهت سوم از لحاظ روحیه‌ی اعتماد به نفس ملی است. خب می‌بینید، دستگاه‌های مختلف تبلیغاتی دشمنان با همه‌ی وجود دارند کار میکنند که کشور را بی‌آینده نشان بدهند، جوانها را مأیوس کنند؛ این دیگر در فضای مجازی، در تلویزیون‌ها، در اظهارات سیاسی مشهود است. این کار شما درست نقطه‌ی مقابل این حرکت دشمن است؛ یعنی روح امید را، روح اعتماد به نفس را در ملت تزریق میکند؛ مردم، جوانها، نخبگان، میفهمند که چه میدانهای اساسی و مهمی را میتوانند کشف کنند، تصرف کنند و بپیمایند.

خب، این سه جهت را من از لحاظ اهمیت صنعت هسته‌ای گفتم. با توجه به این جهات، همه باید تصدیق کنند که صنعت هسته‌ای یکی از مؤلفه‌های اساسی و مهم اعتبار کشور و قوت و قدرت کشور است. اگر شما ایران قوی می‌خواهید، هر کسی ایران را دوست دارد، هر کسی جمهوری اسلامی را دوست دارد، هر کسی ملت را دوست دارد و قوت این کشور را میطلبد، بایستی به این بخش از تلاش و فعالیت علمی و تحقیقاتی و صنعتی و کاری‌ای که اینجا انجام میگیرد اهمیت بدهد و برایش اعتبار قائل بشود. من می‌گویم علت تمرکز دشمنان روی انرژی هسته‌ای هم همین است؛ علت اینکه شما می‌بینید بیست سال است ما چالش داریم [همین است]؛ چالش هسته‌ای ما الان بیست سال است [که هست]. چرا این چالش را دشمنان ایجاد کرده‌اند؟ چرا این قدر گیر میدهند؟ مگر در دنیا فقط



ما داریم تلاش هسته‌ای میکنیم؟ البته آنها میگویند از [دسترسی ما به] سلاح هسته‌ای میترسند! دروغ میگویند، میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا بارها تا حالا این را تصریح کرده که ایران دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست. همین چند ماه پیش هم – در همین چهار پنج ماه اخیر – دو مورد اعتراف کردند گفتند هیچ نشانه‌ای از حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای دیده نمیشود؛ (۳) راست هم میگویند. البته [کار ما] از ترس آنها و به خاطر آنها نیست؛ عقیده‌ی ما این است. سلاح هسته‌ای برای کشتار دسته‌جمعی به کار میرود، ما با کشتار دسته‌جمعی مخالفیم؛ خلاف دین است، خلاف اسلام است؛ چه اتمی‌اش، چه شیمیایی‌اش، چه انواع و اقسام دیگری که ممکن است. در جنگهای زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین و صدر اسلام، سفارش میشد که مواظب باشید آب روی مردم بسته نشود؛ آن وقت، حرکت عمومی علیه عامه‌ی مردم بستن آب بود، دیگر [سلاح] شیمیایی و این حرفها نبود. ما روی مبنای اسلامی‌مان نمیخواهیم طرف سلاح برویم؛ و الا اگر این نبود و میخواستیم برویم، جلوی ما را نمیتوانستند بگیرند، همچنان که جلوی پیشرفتهای هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند و نخواهند توانست بگیرند. اگر میخواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، میکردیم، آنها هم میدانند این را. پس بهانه‌ی سلاح هسته‌ای دروغ است؛ [مسئله] این نیست، یک چیز دیگری مطرح است. آنها میدانند که حرکت در صنعت هسته‌ای، در واقع، در حکم کلید برای پیشرفتهای علمی در بخشهای متعدد کشور است؛ این را نمیخواهند؛ نمیخواهند ما در مسائل گوناگون، پیشرفتهای چشم‌گیر و تشویق‌کننده داشته باشیم. هر پیشرفتی که ملت ایران بکنند، فکر ملت ایران، راه ملت ایران، مردم‌سالاری ملت ایران، روی ملتهای دیگر اثر میگذارد؛ اینها این را نمیخواهند، از این میترسند؛ هدفشان جلوگیری از پیشرفت کشور ما در یکی از مهم‌ترین عرصه‌های علمی است که همین عرصه‌ی هسته‌ای است.

خب این چالشی که بیست سال است ما با دشمنانمان بر سر قضیه‌ی هسته‌ای داریم، حقایقی را هم روشن کرد؛ این چالش بیست‌ساله چند حقیقت را روشن کرد. اولین حقیقت این است که توانایی و استعداد خارق‌العاده‌ی جوانهای ما را نشان داد. این چیزهایی که امروز دیده شد – و البته آنچه واقعیت دارد بیش از اینها است – همه در حال تحریم انجام گرفته، در حال تهدید انجام گرفته. دائماً دانشمندان ما تهدید شدند، دانشمندان ما ترور شدند؛ بعضی‌ها ترور شدند، بعضی‌ها تهدید به ترور شدند، در عین حال این پیشرفتها حاصل شده. پس ما از لحاظ منابع انسانی فوق‌العاده‌ایم. ما از لحاظ منابع انسانی از بسیاری از کشورهای دنیا و از متوسط دنیا بسیار بالاتریم، جلوتریم؛ این در بخشهای دیگر هم نشان داده شده بود؛ در قضیه‌ی اتمی، در این صنعت هسته‌ای، کاملاً نشان داده شد. این یک حقیقت.

حقیقت دیگری که دیده شد، منطق غیر انسانی و غیر منصفانه و زورگویانه‌ی مخالفین ما بود. زور میگویند؛ یعنی فراتر از قراردادهای پادمانی رایج در دنیا از کشور ما توقعات دارند و زورگویی میکنند: «فلان کار را نکنید، فلان کار را نکنید، از سطح زمین فراتر و آن طرف‌تر نروید برای تشکیلاتتان»؛ خب چرا؟ اگر شما مرض ندارید، غرض ندارید، تهدید نمیخواهید بکنید، چرا میترسید از اینکه ما در فلان نقطه‌ی آسیب‌ناپذیر تأسیسات داشته باشیم؟ منطق غیر انسانی آنها و غیر منصفانه‌ی آنها آشکار شد؛ این هم یک حقیقت بود که در این چالش دیده شد.

یک حقیقت دیگر نامطمئن بودن طرفهای ما و مخالفین ما در وعده‌هایشان [بود]. تا حالا در این سالهای متمادی – حالا آنهایی از شماها که سابقه‌ی بیشتری در این [صنعت] هسته‌ای دارید، توجه دارید که من به چه چیزهایی اشاره میکنم – در بخشهای مختلف، چه دولتهایی که طرف مذاکره‌ی ما بودند، چه خود آژانس، بارها وعده‌هایی دادند، [اما]



به آن وعده‌ها عمل نکردند؛ وعده‌های غیر قابل تحقق. پس بنابراین، یکی از دستاوردهای این چالش بیست‌ساله هم همین است که ما فهمیدیم به وعده‌های اینها و به حرفهای اینها نمی‌شود اعتماد کرد؛ بی‌اعتمادی. اینها دستاوردهای مهمی است؛ اینها را مهم بدانید. ما خیلی جاها برای خاطر همین اعتمادهای بیجا ضربه خوردیم. اینکه یک ملت و مسئولین یک کشور بدانند و بفهمند که کجا باید اعتماد کنند، کجا نباید اعتماد کنند، این خیلی مهم است؛ این را ما فهمیدیم. ما در این بیست سال فهمیدیم که چه کسانی قابل اعتمادند، چه کسانی قابل اعتماد نیستند. خوب، این حالا راجع به اهمیت مسئله‌ی هسته‌ای. عرض کردم، شماها این چیزها را شاید بیشتر از ماها هم میدانید؛ دلم میخواهد مردم بدانند.

موضوع دومی که مطرح میکنم، اشاره‌ای به پیشرفتهای این صنعت در کشور است. البته من فتی نیستم و اطلاعات کافی در این زمینه‌ها ندارم که بخواهم بگویم، این کار شماها است که بگویید پیشرفتهای چیست؛ من یک کلیاتی را میخواهم بیان کنم. مقدمتاً، یک جمله‌ای را من بگویم. در ادبیات سیاسی ما، کلمه‌ی «مستضعف» و «استضعاف» وارد شد؛ میگوییم «فلان ملت، ملت مستضعفی‌اند» یا «ما قبل از انقلاب، ملت مستضعفی بودیم». این کلمه‌ی «مستضعف» یک کلمه‌ی پرمغز و پرمعنایی است. «مستضعف» یعنی چه؟ یعنی کسی که ضعیف نگه داشته شده. «مستضعف» با «ضعیف» فرق دارد؛ «ضعیف» یعنی کسی که ضعیف است، «مستضعف» یعنی آن کسی که او را ضعیف نگه داشته‌اند. ضعیف نگه داشته شدن که معنای کلمه‌ی «مستضعف» است، دو جور است. یک وقت یک قدرتی می‌آید بر یک ملتی سوار میشود، تسلط پیدا میکند، او را ضعیف نگه میدارد؛ مثل قدرتهای استعماری که کشورهای استعمارزده را ضعیف نگه میداشتند. انگلیس‌ها کشورهای شبه‌قاره‌ی هند را سالهای طولانی ضعیف نگه داشتند. اگر به این کتاب نگاهی به تاریخ جهان که نهرو (۴) - نخست‌وزیر اسبق هند که مرد مطلع و دانشمندی بود - نوشته مراجعه کنید، او شرح میدهد که هند قبل از ورود انگلیس‌ها چه بود و بعد از ورود انگلیس‌ها چه شد، چقدر عقب رفت، چقدر تهیدست شد؛ استعمار این است. پس بنابراین، یک نوع استضعاف این است که یک قدرتی یک ملتی را عقب نگه دارد که چیز بدی است، چیز خطرناکی است. از این خطرناک‌تر، نوع دوم استضعاف است و آن، این است که یک ملت خودش باور کند که ضعیف است، باور کند که بی‌عرضه است، باور کند که نمیتواند؛ این خیلی خطرناک است.

اکثر شما دوره‌ی قبل از انقلاب را ندیدید، درک نکردید؛ ما سالها در آن دوره زندگی کردیم، با مسائل آن آشنا بودیم. شما هم امروز میتوانید آشنا بشوید؛ اگر مطالعه کنید، دقت کنید، میتوانید بفهمید آن روز چه خبر بوده. به شما صریحاً عرض میکنم: ما در دوره‌ی قبل از انقلاب، هر دو جور استضعاف را داشتیم. اولاً ما را ضعیف نگه داشته بودند؛ یعنی [مانند] همین جوانی که مثل رضایی‌نژاد، (۵) مثل شهریاری، (۶) مثل فخری‌زاده (۷) در دوره‌ی انقلاب تربیت شد، در قبل از انقلاب هم بود اما به این رتبه نرسید؛ نمی‌گذاشتند، تحقیر میکردند ملت ایران را و مانع پیشرفت ملت میشدند. آن سالها یک وقتی در یک جلسه‌ای، بر حسب تصادف، با یکی از کسانی که جزو مسئولین آن رژیم بود ارتباط پیدا شد - چون ما با آنها ارتباط نداشتیم - یعنی نشستیم در جلسه‌ای که تصادفاً او هم بود؛ من شروع کردم به انتقاد کردن از بعضی از چیزها - جوان بودیم و حوصله‌ی حرف زدن و بحث کردن و مانند اینها زیاد داشتیم - جواب او این بود که «آقا! این حرفها چیست که شما می‌زنید؟ ما نشسته‌ایم اینجا، اروپایی‌ها، دیگران، مثل نوکر دارند برای ما کار میکنند، جنس می‌آورند، آنها می‌سازند، ما استفاده میکنیم.» منطق را می‌بینید؟ منطق این بود که آنها می‌سازند، ما استفاده میکنیم، [پس] آنها نوکر ما هستند. اروپایی‌ها نفت ما را می‌بردند، بازار ما را تصرف میکردند، در سیاست ما حداکثر دخالت را میکردند، این بی‌عقلی که طرف صحبت ما بود اینها را افتخار ملت



میدانست! «عقب نگه داشته بشوند» یعنی این ؛ این یک نوع.

نوع دومش این بود که به مردم، به جوانها، باورانده بودند که ما نمیتوانیم. در دوران ملی شدن صنعت نفت، زمان مصدق، در مجلس شورای ملی آن روز بحث شد که بیابیم صنعت نفت را ملی کنیم، از دست انگلیسها بگیریم ؛ نخست وزیر رژیم شاه – حاج علی رزم آرا که یک سپهبد ارتشی بود – آمد در مجلس و گمانم در مجلس این حرف را زد ؛ در ذهنم این هست که آمد گفت «این حرفها چیست که شما راجع به ملی شدن صنعت نفت و اداره‌ی پالایشگاه آبادان میزنید؟ مگر ما نمیتوانیم؟ ایرانی یک لوله‌نگ نمیتواند درست کند.» شماها نمیدانید لوله‌نگ چیست، ندیده‌اید لوله‌نگ را ؛ لوله‌نگ یعنی آفتابه‌ی از جنس سفال. آفتابه را دیده‌اید ؛ آفتابه را از جنس حلبی و مس و مانند اینها درست میکردند، یک جور آفتابه هم بود در جاهای دوردست که من دیده بودم، از جنس سفال و گل پخته درست میکردند ؛ یعنی پایین‌ترین و پست‌ترین چیزی که ممکن است یک انسانی درست کند. میگفت ایرانی همان لوله‌نگ را هم نمیتواند درست کند، حداکثر لوله‌نگ درست میکند! یعنی این جوری تلقین میکردند. «استضعاف» یعنی این ؛ میخواستند بباوراند که تو ایرانی قادر نیستی، چرا بیخودی اصرار میکنی، چرا تلاش میکنی. لذا در دوره‌ی رژیم پهلوی، این سالهای آخر که دیگر با شوروی هم ارتباطات نسبتاً بهتری پیدا کرده بودند، از آمریکا گندم میخریدند، سیلویس را شوروی‌ها میساختند! یعنی قادر به ساختن سیلو نبودند، حالا سد و اتوبان و مانند اینها به جای خود محفوظ ؛ یعنی وضع این جوری بود.

خب، منطق غرب‌گرایان آن روز این بود که ایرانی نمیتواند، قادر نیست، ایرانی عرضه ندارد که بسازد. حالا آن نگاه را مقایسه کنید با واقعیتی که امروز وجود دارد، با این کاری که جوانهای ما در همین زمینه‌ی انرژی هسته‌ای که شما وارد هستید و مطلع هستید انجام داده‌اند. زمینه‌های دیگر هم هست ؛ در زمینه‌های دیگر هم همین جور پیشرفت انجام گرفته. در بخشهای گوناگون، در بخشهای دفاعی، در بخشهای نانو، در خیلی از رشته‌های مهم علمی دیگر، همین جور پیشرفته‌ها اتفاق افتاده. این روحیه‌ی امروز، این امید امروز، این شوقی که امروز به کار وجود دارد، این توانایی برزیافته‌ی امروز را مقایسه کنید با آن وضعی که آن روز وجود داشت. آن روز غرب‌گراها ملت را تحقیر میکردند، امروز ملت غرب‌گراها را تحقیر میکند. امروز ملت ما کسانی را که دارای آن فکر و آن توهمات هستند، دارد تحقیر میکند ؛ با چه چیزی تحقیر میکند؟ با همین ساخت‌وسازهایی که شما اینجا به ما نشان دادید ؛ این تحقیر غرب‌گراها است ؛ این نشان دادن خطای بزرگ آنها است که میخواستند بباوراند که ملت ایران توانایی ندارد. بیست سال است که غرب بر روی توان هسته‌ای ما دارد کار میکند، امروز امکانات و پیشرفت هسته‌ای ما – یعنی موجودی هسته‌ای ما – از صد برابر بیست سال پیش بیشتر است ؛ یعنی امروز ما بیش از صد برابر سال ۸۲ که آغاز چالش هسته‌ای ما با غرب است و تحریمهای پشت سر هم و مانند اینها [موجودی هسته‌ای داریم] ؛ آنهایی که اهل فتند و مطلعند، این جوری قضاوت میکنند. این واقعیت کشور ما است. البته آنها برای اینکه این حرکت را متوقف کنند، هر کار از دستشان برمی‌آمد کردند ؛ جنایت هم کردند، ترور کردند، با جنایتشان این دانشمندان عزیز را از ما گرفتند. خیال کردند که اگر چنانچه شهریاری و علی محمدی (۸) و بقیه را از دست ما بگیرند، کارها متوقف میماند ؛ کارها متوقف نماند، دچار وقفه نشد، بحمدالله پیش رفت ؛ یعنی جوانان ما، دانشمندان ما، نشان دادند که این صنعت بومی شده است، متعلق به خود ملت است و این دیگر قابل سلب کردن از این ملت نیست. این را آنها هم حالا اعتراف میکنند.

یک نکته‌ی حاشیه‌ای هم اینجا من بگویم ؛ حاشیه‌ای است، ولی مهم است. ببینید، از حادثه‌ای که در غرب به اسم



«رنسانس» شناخته شد - تغییر مسیر زندگی غربی‌ها - حدود پانصد سال میگذرد؛ در حادثه‌ی رنسانس، اساسی‌ترین خطی که وجود داشت تقابل علم و دین بود؛ یعنی میخواستند بگویند که اگر میخواهید از لحاظ علمی پیشرفت کنید، دین و معنویت و مانند اینها را کنار بگذارید؛ این مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین خطوط اصلی حرکت غربی‌ها در رنسانس بود که از این حادثه حدود پانصد سال میگذرد. امروز، در کشور جمهوری اسلامی که کشور معنویت است و «جمهوری اسلامی» است، مهم‌ترین کارهای علمی دارد انجام میگیرد، در رقابت با کسانی که سالهای متمادی است که در این رشته‌های علمی دارند کار میکنند. چه کسانی دارند این کار را پیش میبرند؟ جوانان مؤمن، فخری‌زاده و شهرداری نماز شب‌خوان؛ اینها دارند پیش میبرند کار را؛ یعنی علم و معنویت این جور به هم آمیخته شده. این نکته‌ی مهمی است که به آن باید توجه کرد.

موضوع سوّم که میخواهم عرض بکنم و وقت هم دیگر تمام شده، چند توصیه است. توصیه‌ی اوّل - که من اینجا یادداشت کرده‌ام اما با توضیحاتی که در این نمایشگاه دادند، دیدم خوشبختانه به این توجه وجود دارد - [این است که] از ظرفیت دانش هسته‌ای بایستی برای بخشهای مختلف زندگی مردم استفاده کرد. سرریز بحث هسته‌ای، برای صنعت، برای سلامت، برای کشاورزی، برای محیط زیست، برای آب‌شیرین‌کن، برای درمان بیماری‌ها و برای همه چیز در جامعه مفید است. خوشبختانه این کار را سازمان انرژی هسته‌ای دارد انجام میدهد و به انرژی متوقف نمانده، به این کارهای اساسی و مهم [هم] دارد میرسد و من تأکید میکنم و اصرار دارم که به این اهمیت بدهید، دنبال بکنید، زندگی مردم را از پیشرفت علمی مربوط به صنعت هسته‌ای برخوردار کنید.

توصیه‌ی بعدی این است که همین مطلب را - [یعنی] این ظرفیت به این بزرگی را - با مردم در میان بگذارید. مردم از انرژی هسته‌ای چه میفهمند؟ از انرژی هسته‌ای همین مسئله‌ی انرژی را میفهمند؛ میفهمند که شما میخواهید مثلاً یک مرکز تولید برق یا تولید انرژی به دست بیاورید. مسئله این نیست؛ مسئله [این است که] در همه‌ی بخشهای زندگی مردم، این صنعت میتواند حضور مؤثر و مفید داشته باشد. این را به مردم بگویید تا مردم قدر این صنعت را بدانند و اینکه میگفتند «حقّ مسلم ما است»، واقعاً بدانند که حقّ مسلم آنها است. البته صداوسیما نقش دارد، دستگاه‌های مختلف نقش دارند، اما عامل کار خود شما هستید؛ به شیوه‌های مختلف با مردم تفاهم کنید.

توصیه‌ی دیگر این است که محصولات و خدمات هسته‌ای تجاری‌سازی بشود که البته در این گزارشهایی که به من دادند، [آمده بود که] بعضی‌هایش تجاری‌سازی شده؛ این را باید توسعه داد. این پیشرفتهای ما بازارهای خوبی در دنیا دارد و برای اقتصاد کشور، برای درآمد کشور، میتوان واقعاً استفاده کرد. با کشورهای همسو که با ما معارضه‌ای در این قضیه ندارند، همکاری بشود که البته در بخشی از این گزارشها بود که یک همکاری‌هایی دارد میشود؛ یا آنها درخواست کردند یا ما خواستیم. این هم باید دنبال بشود؛ همکاری بشود و هر چه ممکن است، از امکانات موجود دنیا استفاده کنیم، از پیشرفتهای علمی دنیا استفاده کنیم.

موضوع بعدی موضوع بیست هزار مگاواتی است که ما چند سال پیش اعلام کردیم؛ (۹) این را جدی بگیرید. فرض بفرمایید که مثلاً الان ما حدود هزار مگاوات از برق هسته‌ای داریم استفاده میکنیم و طراحی برای بیشترش هم هست، اما هدف بیست هزار مگاوات است؛ از حدود مثلاً فرض کنید که هشتاد نود هزار مگاواتی که کشور در آینده متوسط و در میان‌مدت احتیاج دارد، حتماً بیست هزار مگاواتش باید هسته‌ای باشد که هم صرفه‌ی مالی دارد، هم صرفه‌ی زیستی دارد، هم صرفه‌ی محیطی دارد؛ این را به طور جدی و به صورت برنامه‌ریزی شده دنبال بکنید. و اینجا



من یادداشت کرده‌ام، بالا (۱۰) هم به دوستان گفتم که روی نیروگاه‌های توان پایین و کم ظرفیت کار بشود. خب حالا روی فتاوری نیروگاه‌های با ظرفیت بالای هزار مگاوات کار شده، تجربه‌هایی به دست آمده، اما میتوان این تجربه‌ها را در مورد نیروگاه‌های ظرفیت پایین [هم به کار برد] که شنیده‌ام امروز در دنیا معمول این است، بیشتر روی نیروگاه‌های با ظرفیت پایین کار میکنند؛ دویست مگاوات، صد مگاوات و حتی کمتر از صد مگاوات. بنده - سه چهار سال پیش - از یکی از این کشورهایی که دارای این فتاوری است خواستم، گفتم شما نیروگاه سی مگاواتی دارید، به ما بدهید؛ او گفت نداریم، من گفتم چرا، من گزارش دارم که شما دارید؛ همان جا وزیرش نشسته بود، پرسید، یک چیزی جواب دادند، فهمیدیم که قبول دارد که این را دارند، ولی خب نمیدهند دیگر؛ یعنی سخت است برایشان. ما برای بخشهای مختلف، به این نیروگاه‌های کم توان و کم ظرفیت احتیاج داریم؛ دنبال کنید.

مسئله‌ی منابع انسانی ما هم توصیه‌ی بعدی من است. نیروی انسانی خیلی مهم است. دانشجویانی که الان در این رشته کار میکنند، خیلی کمند؛ من نمیخواهم عدد را ذکر بکنم، اما اقلأ ده برابر این بایستی ما دانشجو داشته باشیم. دلایل مشخصی هم دارد که کمند؛ خب سخت است، مشکلاتی دارد، سختی‌های خاص خودش را دارد؛ باید این سختی‌ها جبران بشود. از دانشمندان موجود، متخصصین موجود، حداکثر استفاده بشود، حفاظتشان جدی گرفته بشود. به هر حال، تکریم منابع انسانی و حفظ منابع انسانی در این صنعت خیلی مهم است. البته عملکرد سازمان در جذب نیروی انسانی و مدیریت این منابع هم مهم است؛ چگونگی مدیریت منابع انسانی از لحاظ ارزشیابی‌های گوناگون از جهات مختلف، این هم مهم است. بالاخره دشمن در این زمینه‌ها دارد تلاش میکند، که دیدید و دوستان ضربه‌ی دشمن را چشیدند؛ در یک جاهایی نفوذ میکنند، خرابکاری میکنند، که کردند و همه‌ی ما دیدیم. (۱۱) باید بجد مراقبت کنید. نیروی انسانی خیلی باارزش است؛ حفظش کنید، در ارزشیابی‌اش هم حداکثر ملاحظه و توان و دقت را انجام بدهید.

یک توصیه هم [درباره‌ی] برخی از چالشهای سازمان است؛ حالا مثلاً ارتباط با آژانس. توصیه‌ی مؤکد من این است که ارتباط با آژانس را حفظ کنید؛ یعنی همکاری و تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را حفظ کنید. البته در چهارچوب مقررات پادمانی؛ یعنی زیر بار بیشترش نروید و [فقط] آنچه طبق مقررات پادمانی باید انجام بدهیم انجام بدهید. از اول هم توصیه‌ی بنده به این مسئولین مختلفی که در این بیست و چند سال آمدند در این صنعت و رفتند، همیشه همین بوده؛ گفته‌ایم باید با آژانس هسته‌ای همکاری داشته باشید.

از قانون مجلس تخطی نشود؛ این هم توصیه‌ی بعدی من است. مجلس یک قانونی گذرانده، (۱۲) این قانون به نفع ما است، به نفع کشور است و به نفع صنعت هسته‌ای است. بعضی‌ها خیال میکنند این قانون برای کشور مشکل درست کن است؛ اشتباه میکنند. این قانون، قانون خوبی است؛ اصلاً قانون هم هست، قانون را باید عمل کرد؛ بحثی نداریم. از قانون تخطی نشود. چه در دسترسی‌هایی که دیگران توقع دارند، چه در اطلاعاتی که ارائه میکنید، طبق این قانون عمل بشود.

گاهی ادعاهای خلاف واقعی و خواسته‌های زورگویانه‌ای مطرح میشود؛ زیر بار نروید. سازمان زیر بار خواسته‌های زورگویانه نرود؛ بر روی مواضع خودتان بایستید. آنچه را موظفید انجام بدهید، انجام بدهید، [اما] زیر بار آنچه آنها زورگویانه از شما میخواهند نروید و قبول نکنید. گاهی ادعاهایی میکنند که این ادعا خلاف واقع است؛ این ادعاها را قبول نکنید؛ فلان وقت شما فلان کار را کردید؛ نه، زیر بار ادعاهای خلاف واقع آنها هم نروید. حالا به طور خاص هم



یک تعهداتی در اسفند گذشته انجام گرفت (۱۳) که [طبق] گزارشی که من دیدم – این گزارش هم در واقع جدید است – طرف مقابل به این تعهدات عمل نکرده، ما عمل کرده ایم؛ طرف مقابل در این تعهدات، آژانس است؛ شنیدم عمل نکرده. به هر حال، توجه داشته باشید.

یک توصیه‌ی مهم دیگر: زیرساخت‌های موجود صنعتی هسته‌ای دست نخورد. در طول این سالها مدیران و مسئولان و فعالان این صنعت کارهای مهمی انجام داده‌اند، زیرساخت‌های مهمی را ایجاد کرده‌اند. ممکن است در یک زمینه‌هایی بخواهید توافقهایی بکنید؛ عیب ندارد، توافق کنید، اما زیرساخت‌ها دست نخورد، اینها خراب نشود، اینها محصول زحمت دیگران است. (۱۴)

خب، تکبیر هم که فرستادید دیگر. خدا ان شاء الله همه‌ی شما را موفق کند. ما البته آماده شده بودیم که از این نمایشگاه ۴۵ دقیقه بازدید کنیم – به من این جور برنامه داده بودند – دو برابر شد؛ یعنی ما یک ساعت و نیم از آن نمایشگاه بازدید کردیم، حالا هم که در خدمت شما بودیم. ان شاء الله که موفق و مؤید باشید. خدا ان شاء الله توفیق‌تان بدهد.

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، جوانان عزیز ما، مدیران خوب ما، فعالان ارزشمند ما در این صنعت را مورد لطف و مهر و حفظ خودت قرار بده، همه‌ی آنها را در دنیا و آخرت روسفید و سربلند کن. پروردگارا! نیت‌های ما را در آنچه می‌گوییم، در آنچه عمل می‌کنیم، نیت‌های الهی قرار بده و آنها را از ما قبول کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای محمد اسلامی (رئیس سازمان انرژی اتمی) گزارشی ارائه کرد.
(۲) پیش از این دیدار، معظم‌له از نمایشگاه دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور در حسینیه‌ی امام خمینی (قدس سره الشریف) بازدید کردند.

(۳) در اسفندماه سال ۱۴۰۱، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا – سی‌آی‌ای – در مصاحبه با شبکه‌ی سی‌بی‌اس تصریح کرد: «تا جایی که ما میدانیم، اعتقادی نداریم که سران ایران تصمیمی برای ازسرگیری برنامه‌ی تسلیحاتی اتمی که در پایان سال ۲۰۰۳ تعلیق کرده بودند، گرفته باشند.» همچنین، در گزارشی که وزارت خارجه‌ی آمریکا در اردیبهشت امسال منتشر کرد، تصریح کرد که ایران اقدامی در جهت ساخت سلاح هسته‌ای انجام نداده است.

(۴) جواهر لعل نهرو

(۵) شهید داریوش رضایی‌نژاد در تاریخ یکم مردادماه ۱۳۹۰ توسط عوامل دشمن ترور شد.

(۶) شهید مجید شهریاری از دانشمندان هسته‌ای بود که در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۸۹ توسط عوامل دشمن ترور شد.

(۷) شهید محسن فخری‌زاده (رئیس سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی) در تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۹۹ توسط عوامل دشمن ترور شد.

(۸) شهید مسعود علی‌محمدی از دانشمندان هسته‌ای بود که در تاریخ بیست و دوم دی‌ماه ۱۳۸۸ توسط عوامل دشمن ترور شد.

(۹) از جمله، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد (۱۳/۱۰/۱۳۸۶)

(۱۰) در جریان بازدید از نمایشگاه دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور

(۱۱) از جمله، خرابکاری و انفجار در تأسیسات هسته‌ای نطنز در فروردین ۱۴۰۰



- ۱۲) قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریمها و صیانت از منافع ملت ایران» با تصویب در جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی در روز چهارشنبه ۱۳۹۹/۹/۱۲ و تأیید شورای نگهبان، به دولت ابلاغ شد.
- ۱۳) سازمان انرژی اتمی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ توافقنامه‌ای امضا کردند با موضوع اجازه‌ی داوطلبانه‌ی ایران به آژانس برای نظارت بیشتر.
- ۱۴) تکبیر حضار